



## تحلیل سبک‌شناسی لایه ایدئولوژیک واژگان قلم سیدضیاءالدین طباطبائی

علی آسمند جوقنایی<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول)

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی واحد اسلامشهر. دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران.

فاطمه فرهودی‌پور

پژوهشگر فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۸

### چکیده

سیدضیاءالدین طباطبائی، یکی از عوامل کودتای اسفند ۱۲۹۹، از سیاستمداران تأثیرگذار تاریخ معاصر ایران است. زندگی سیاسی اش با فعالیت‌های مطبوعاتی پیوندی تنگاتنگ دارد. از شانزده‌سالگی، با روزنامه ندای اسلام روزنامه‌نگاری را آغاز کرد؛ سپس شرق، برق و رعد را (تا کودتای ۱۲۹۹) منتشر کرد. او با زبانی تند و بی‌پروا به اشاعه اندیشه‌های انتقادی می‌پرداخت. در این مقاله، لایه ایدئولوژیک واژگان نویسنده را به روش توصیفی تحلیلی با استناد به منابع روزنامه‌ای بررسی کرده‌ایم و با تفکیک سبک نویسنده ایدئولوژی حاکم بر ذهن و زبان او را تحلیل کرده‌ایم. با توجه به رویه سیاسی او به این نتیجه دست یافتیم که چون مخاطبان او اولیای امور و سیاست‌گذاران بودند، جهان‌اندیشگانی او نگرش سیاسی یک طبقه اجتماعی را به‌عنوان یک کل، هدایت می‌کند و قلم اعتراضی او در جریانات مشروطه‌خواهی گزارش

مناسبات جامعه و تغییر و تحولات اجتماعی و سیاسی است و زبان او جدی، انتقادی، صریح، تلخ و گزنده بوده است. کلیدواژه‌ها: سبک‌شناسی لایه‌ای، ایدئولوژی، لایه‌زبانی سیدضیاءالدین طباطبائی، روزنامه‌های (شرق، برق و رعد).

## ۱. مقدمه

### ۱-۱. بیان مسئله

امروزه بهترین روش مطالعه در خصوص زبان، علم سبک‌شناسی لایه‌ای است. در این روش باهدف ارائه الگویی زبان‌شناختی برای تحلیل سبک ادبی، طبق نظر سبک‌شناسی نوین پنج لایه زبان، یعنی آوایی، واژگانی، نحوی، معنی‌شناختی و کاربردشناسی بررسی می‌شود. روزنامه‌ها و مطبوعات به‌عنوان ابزار بیان واقعیت‌های اجتماعی عرصه حضور ایدئولوژی هستند و نویسندگان چه بخواهند یا نه و چه پنهان کنند یا نه رد پای جهان‌بینی و ایدئولوژی خود را بر متن بروز می‌دهند. به قولی «آن‌که بیش از همه به حدیث نفس متوسل می‌شود و هرگز نگاه پرسش‌آمیز خود را به‌سوی جامعه نمی‌افکند و ادبیات را ذات مجردی جدا از فعل و انفعالات اجتماعی می‌پسندد، بازهم دست‌کم از حیث نگارش به جامعه خود بستگی تام دارد.» (بارت، ۱۳۶۸:۴۶)

از آنجاکه روزنامه‌ها، اسنادی درجه اول برای بررسی‌های اجتماعی و تطورات زبانی دوره زمانی خاص به شمار می‌آیند و درخواست‌ها و مطالبات اجتماعی سبب می‌شود صاحبان مطبوعات با زبان گویای جامعه، مبانی ایدئولوژیکی گروه‌های مختلف را نشر دهند و به شکلی زنده، اتفاقات آن دوران را ترجمانی کنند برای شناسایی قلم یک ژورنالیست، آشنایی با دوران و سیر زندگی و زمانه او ضروری است بنابراین، این مقاله می‌کوشد، ضمن ارائه گزارشی از زندگی سیاسی و قلمی سیدضیاءالدین طباطبائی، کاربست سبک‌شناسی لایه واژگانی او را برای بررسی مبانی ایدئولوژیکی (اندیشگانی) با تأکید بر روزنامه‌هایش، تحلیل کند و شمایی از سبک روزنامه‌نگاری در دوران پس از مشروطه و پهلوی اول و هم شیوه‌های قلمی سیدضیاء را برای بیان مقاصد سیاسی ارائه کند. مسئله اساسی در این مقاله آن است که ایدئولوژی واژگانی طباطبایی که به نحوی انعکاس‌دهنده سطوح مختلف جامعه محسوب می‌شود و با شرایط اجتماعی و تاریخی دوره مشروطه تناسب دارد چگونه در لایه‌های معناشناسی و کاربردشناسی نمود و بازتاب بیشتر یافته است بر همین راستا فرض نویسندگان این مقاله بر آن است که نمود صریح اندیشگانی در لایه واژگانی باشد و لایه، نحوی و آوایی و بلاغی قلم نویسنده، در بازتاب ایدئولوژی نمود کمتری داشته است.

### ۲-۱. پیشینه تحقیق

تاکنون در خصوص سبک‌شناسی لایه‌ای روزنامه‌های سید ضیاء‌الدین طباطبایی به‌خصوص اندیشگانی، مطالعه‌ای انجام نگرفته است. تنها یک مقاله از محمد اسماعیل رضوانی (۱۳۷۱) با موضوع سیری کوتاه در تاریخچه روزنامه‌نگاری سید ضیاء‌الدین طباطبایی نوشته شده که به مواردی در خصوص روزنامه‌نگاری و سابقه آن اشاره شده است؛ اما در خصوص سبک‌شناسی لایه‌ای تحقیقات مفصلی انجام شده است. طلایه‌داران پژوهش‌های سبک‌شناختی در ایران را در کتاب‌های بلاغی و برخی تذکره‌ها می‌توان بازجست. آغازگر سبک‌شناسی جدید در ایران ملک‌الشعراى بهار در سبک‌شناسی یا تاریخ تطوّر نثر فارسی است. پس از او پژوهشگرانی دیگر در کتاب‌های مستقل و مقالاتی پژوهشی با پیشنهاد نظریه‌هایی بومی شده و با ترجمه و حل نظریات سبک‌شناسان شهره‌ی جهان، راه را برای جستارهایی نوین در حیطه سبک‌شناسی گشوده‌اند. کتاب سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها نوشته محمود فتوحی رود معجنى (۱۳۹۰) غنی‌ترین منبع در این زمینه است؛ که در قالب سبک‌شناسی لایه‌ای نحو بررسی اثر ادبی را با رویکرد عملی مطرح می‌کند.

### ۳-۱. جامعه آماری

جامعه آماری در این بررسی چهار روزنامه است. «طباطبایی با انتشار ندای اسلام (شیراز، ۱۲۸۶ ق)، حرفه روزنامه‌نگاری را آغاز کرد.» (الهی، ۱۳۹۳: ۲۳). این روزنامه در بیست‌وشش شماره منتشر شد پس از توقیف این نشریه، سید ضیاء معّم، تغییر کسوت داد. به همراه هیئت تحریریه ندای اسلام به تهران آمد و فعالیت مطبوعاتی‌اش را جدی‌تر ادامه داد. نشریه شرق (۱۴ رمضان ۱۳۲۷ ق) را حدود یک سال در صدورش شماره منتشر کرد. با توقّف انتشار این روزنامه در چهارم جمادى الاول ۱۳۲۸، روزنامه برق جانشین آن شد. برق نیز پس از انتشار سیزده شماره، توقیف و سید ضیاء محکوم به حبس شد اما با تلاش عده‌ای از مشروطه‌خواهان آزاد و روانه اروپا شد. در آستانه اعلام اتمام حجت روس و انگلیس به ایران بازگشت و پس از مدتی رعد را با کمک مالی سفارت انگلیس منتشر کرد (۱۳۳۱ ق). او، پس از کودتا، روزنامه رعد/امروز را به‌عنوان ارگان حزب اراده ملی منتشر کرد که در سال ۱۳۲۴ ش، جای خود را به نشریه روستا داد. سید ضیاء در مقاله‌ای با عنوان «شعائر ملی»، به‌ضمیمه روزنامه رعد/امروز، مانیفست حزب خود را عرضه کرد. روزنامه اراده فارس در شیراز نیز زیر نظر حزب اراده ملی منتشر می‌شد. تشکیل «اتحاد جراید ملی» واپسین اقدام سید ضیاء بود که روزنامه‌هایی

همچون وظیفه، کاروان، کانون، حور، کشور و اقدام در آن شرکت داشتند. مخاطب روزنامه‌های او مردم و هدف گردانندگان آن همراه کردن مردم با جریان انقلاب و نقد حکومت بود.

## ۲. متن

### ۱-۲. درباره سبک‌شناسی

«سبک» در معنای قاموسی، مصدری عربی به معنای گداختن و به قالب ریختن طلا و نقره است. در معنای اصطلاحی «شیوه خاص سخن و شعر و نثر» را افاده می‌کند. معادل لاتین این اصطلاح ادبی Style و دعوی آن «احصاء و طبقه‌بندی» (دوفرن، ۱۳۸۳: ۸۸) است. سابقه استفاده از معنای اصطلاحی سبک را در آرای ابن‌قتیبه (۲۱۳ - ۲۷۶ ق) می‌توان بازجست اما ادیبان، پیش‌تر، از اصطلاحاتی چون: طرز، شیوه سخن، طریقه و... افاده معنای سبک می‌کرده‌اند. بهار سبک را «روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله ترکیب کلمات و انتخاب و طرز تعبیر می‌داند» (بهار ۲۵۳۶، ج ۱: ۱۵) نظریه‌پردازان مدرن روش‌های گوناگونی برای تحلیل سبک‌شناختی متون پیشنهاد می‌کنند که هر یک قابل نقد و در حال تکامل است. «در این شیوه نوین زبان‌شناسانه از طرفی بحث‌های مربوط به سبک‌شناسی صورت‌گرا مطرح است و از طرف دیگر سبک‌شناسی انتقادی. مشخصه‌های برجسته سبک و نقش و ارزش آن‌ها در سبک‌شناسی لایه‌ای در هر لایه به صورت جداگانه روشن می‌شود و کشف و تفسیر مشخصه‌های و مؤلفه‌های صورتی متن با محتوای آن و تأثیر زیباشناسی و نقش ایدئولوژی عناصر مربوط به هر لایه تبیین می‌شود...» (درپر، ۱۳۹۳: ۶۸) در روش سبک‌شناسی لایه‌ای متن در پنج لایه «آوایی، واژگانی، نحوی، بلاغی و ایدئولوژیک» در دو مورد اخیر به جای معناشناسی و کاربردشناسی بررسی می‌کند، «سبک‌شناسی لایه‌ای نامیده می‌شود.» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۸) یکی از مهم‌ترین معیارها در تعیین سبک یک نوشته را توجه به نوع گزینش شاعر و نویسنده در زبان می‌داند «(simpson) ۲۴:۲۰۰۴) مبانی سبک‌ساز واکاوی می‌شود و اثبات می‌کند نویسنده در کدام سطح و لایه برجستگی و تأثیرگذاری بیشتری دارد. بحث از ایدئولوژی در تحلیل‌های سبک‌شناسانه یک اثر، رابطه تنگاتنگی با سبک‌شناسی انتقادی دارد. در این سبک‌شناسی محور پژوهش‌ها پیرامون مقولاتی چون گفتمان، ایدئولوژی و قدرت می‌چرخد. (فتوحی رود معجنی، ۱۳۹۰: ۱۸۹) این لایه «به مجموعه‌ای منسجم از ایده‌ها گفته می‌شود که اهداف، آرزوها کنش‌ها و داورهای افراد را بیان می‌کند. (رشیدیان، ۱۳۹۳: ۵۷) «متن‌هایی که مفاهیم و ارزش‌های

ایدئولوژیک را به مدد شگردهای بیانی ضمنی، صناعات ادبی و ابهام‌های هنری پنهان می‌کنند و مفسر ادبی باید بتواند مواضع ایدئولوژیک و جهان‌بینی نهفته را در متن کشف نماید». (فتوحی، ۱۳۹۱: ۳۵۰-۳۵۱)

توجه به مواضع ایدئولوژیک و اندیشگانی سید ضیاء ایجاب می‌کند به قلم او که در روزنامه‌هایش منعکس است مراجعه کنیم. سید ضیاء الدین طباطبائی یزدی، روزنامه‌نگار، سیاستمدار، عامل کودتا و نماینده مجلس، سال ۱۳۰۶ ق، در شیراز متولد شد. پدرش، سید علی آقا یزدی، از خطبای مشهور عهد مظفری بود. او، در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه، به حوزه علمیه نجف رفت و در پی درخواست مظفرالدین میرزای ولیعهد، برای زعامت دینی هم‌وطنان به ایران بازگشت. سید ضیاء، در کودکی، با والدینش به تبریز رفت و پس از آن، به شیراز رفت و هم‌زمان با تحصیلات حوزوی، به فراگیری زبان‌های فرانسه و انگلیسی پرداخت. در سال ۱۳۳۵ ق، برای ارسال شرح مشاهدات خود از آثار انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، به روسیه سفر کرد؛ اما پس از هرج و مرج‌های ناشی از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، به ایران بازگشت. متعاقباً از حامیان وثوق‌الدوله و پیمان ۱۹۱۹ شد<sup>۲</sup>

«ارتباط سید ضیاء «انگلو فیل»، با وثوق‌الدوله باعث شد تا به «کمیته آهن» راه یابد». (ن. ک. به: مکی، ۱۳۶۱: ۱۸۸ - ۱۹۰). کمیته آهن به کوشش سازمان جاسوسی انگلیس برای حفظ منافع آن کشور در ایران و اجرای کودتا تشکیل شده بود. سید ضیاء در رأس این سازمان سری، متشکل از رجال ایرانی و انگلیسی، جای گرفت و رابط جلسات آن با وزیر مختار و دیگر عوامل اطلاعاتی انگلیس در تهران شد. پس از فراهم شدن شرایط لازمه، بریتانیا، با انتخاب سید ضیاء به‌عنوان چهره سیاسی و رضاخان به‌عنوان چهره نظامی، طرح کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ را سازمان داد و به اجرا درآورد.

پس از کودتا، در ستاد مشترک «ضیاء - رضا»، حکم دستگیری شصت نفر با گرایش‌های سیاسی گوناگون، از سید حسن مدرس گرفته تا صارم‌الدوله، صادر شد. ملک‌الشعراى بهار در وصف این واقعه می‌نویسد: «اولاً [سید ضیاء] اشخاصی را بدون تناسب توقیف کرد، مدرس و شیخ حسین یزدی، حاج مجدالدوله و فرمانفرما و تیمورتاش و رهنما و دشتی و فرّخی و فدائی و من و سیدهایشم و کیل و جماعتی کثیر همه حبس شدند، من در محبس نمره دو که شبانه به آنجا وارد شدم هنگامه عجیب و غوغای تماشائی دیدم، از پیر تا چهارده‌ساله که او را با زیرشلواری از خانه کشیده و آورده بودند در آنجا یافتم». (بهار، ۱۳۵۷: ج ۱: ۹۵)

۲. سید ضیاء پیش‌تر در روزنامه رعد و وثوق‌الدوله را به انواع تندزبانی می‌نواخت (رعد، ش ۹۶، ۲۲ جمادی‌الاول ۱۳۳۳) اما بعدها به جمع حامیان او پیوست.

سید ضیاء حکم رئیس‌الوزاری و رضاخان، با لقب «سردار سپه»، حکم ریاست بریگاد قزاق را از احمدشاه قاجار گرفتند؛ و در اسفند ۱۲۹۹، کابینه خود را تشکیل داد. ریاست وزاری سید ضیاء نود روز دوام آورد و «کابینه او با دستگیری بسیاری از مخالفان و توقیف همه روزنامه‌ها، به «کابینه سیاه» شهره شد.» (بهار، ۱۳۵۷: ج ۹۱، ۱).

در پی اشغال ایران به دست نیروهای متفقین و تبعید رضاشاه (شهریور ۱۳۲۰)، سید ضیاء که هنوز معتمد انگلیسی‌ها بود، به نمایندگی مجلس چهاردهم انتخاب شد. اعتبارنامه او با جنجال تصویب شد (ن.ک. به: کاوسی، ۱۳۲۳: ۲۱-۲۳) تأسیس احزاب «وطن» و «اراده ملی» در بهمن ۱۳۲۳ از دیگر اقدامات او بود. سید ضیاء‌الدین طباطبائی در شهریورماه ۱۳۴۸ در هشتادویک‌سالگی بر اثر سکته قلبی درگذشت.

در خصوص زندگی ژورنالیستی سید ضیاء وی *ندای اسلام* را چنین معرفی می‌کند: این روزنامه، به کلی آزاد است و از مطالب اساسی و قوانین اساسی و مقالات علمی و ادبی به حال ملت مفید و منافی به شرع انور نباشد، پذیرفته و درج و مذاکرات مجلس ملی فارس و اخبار داخله و تلگرافی ذکر خواهد شد. (پروین، ۱۳۹۸: ۱۴۳-۱۴۴)

مواضع سیاسی سید ضیاء در روزنامه‌های شرق و برق بیگانه‌ستیزان بود (شرق، ش ۱۲، ۳ شوال ۱۳۲۷) اما در روزنامه *رعد* به سمت انگلیسی‌ها گرائید. وی در جواب این سؤال که «آقا! راست است که شما انگلیسی هستید؟» پاسخ داد: «بله این طور می‌گویند» (الهی، ۱۳۹۳: ۱۷). او درباره موضع‌گیری خود چنین گفت: «تاریخ سیصدساله اخیر نشان داده و ثابت کرده که انسان در دوستی با انگلستان ضرر می‌کند... اما دشمنی با انگلستان موجب محو آدمی می‌شود... من به‌عنوان یک آدم عاقل در تمام مدت زندگی‌ام، ضرر این دوستی را کشیده‌ام اما حاضر نشده‌ام محو شوم.» (همان: ۲۰)

پس از کودتا، *رعد* همچون بسیاری از روزنامه‌های آن دوران، به خواست خود سید ضیاء، تعطیل شد. او بعدها در مصاحبه‌اش با الهی در توجیه این کار می‌گوید: «من تاروزی که به قدرت رسیدم، روزنامه‌نویس بودم و روزی که قدرت به دستم افتاد، روزنامه‌ام را تعطیل کردم، برای اینکه روزنامه حربه آدمی است که به قدرت نرسیده است... دولتی که روزنامه‌ها را برای خود بخواهد ذلیل و عاجز است. من معتقدم وقتی آدم به قدرت رسید باید روزنامه خودش را تعطیل کند و به روزنامه‌های مخالف اجازه انتشار بدهد. برای اینکه اسلحه حریف را نباید از دستش گرفت.» (همان: ۲۴-۲۵)

## ۲-۲. سبک لایه ایدئولوژیک واژگانی قلم سید ضیاء طباطبائی

بررسی آماری نشان می‌دهد حدود ۷۰ درصد محتوای قلم او بر اساس لایه واژگانی، اعتراضی-انتقادی و مابقی در بن‌مایه‌های دیگر آمده است. از رویه سیاسی سید ضیاء و خطاب‌های مستقیم او به اولیای امور، برمی‌آید که

مخاطب روزنامه‌های او عموماً اعضای کابینه، وکلای مجلس و اولیای امور هستند؛ لاجرم انتظار می‌رود مخاطبان روزنامه از اندک سواد بهره‌مند باشند. این موضوع نیز می‌تواند دلیل انتخاب زبانی تند و انتقادی با بسامد نسبتاً بالای واژه‌ها و تعبیرات با محتوای تجددخواهی، وطن‌دوستی عدالت‌طلبی و مشروطه‌خواهی و مبارزه با ظلم باشد. مبانی اندیشگانی او با توجه به نگرش سیاسی سید ضیاء طبق لایه واژگانی تفکرات خاص با نگرش ایدئولوژیک هستند. در این نظام زبانی «نظامی از ایده‌ها و قضاوت‌های روشن و سازمان‌یافته که برای توصیف تبیین، استنتاج یا توجیه موقعیت یک گروه یا جامعه به‌کار می‌رود. اساساً از ارزش‌ها نشئت می‌گیرد و رهنمون دقیقی برای عمل تاریخی این گروه یا جامعه ارائه می‌دهد.» (بشیر، ۱۳۷۰: ۷) «ایدئولوژی مبنای کردارهای اجتماعی نیز هست که یکی از کردارهای اجتماعی که به‌شدت تحت تأثیر ایدئولوژی است کارکرد زبان و گفتمان است.» (Van Dijk: ۲۰۰۱: ۴)

۲-۲-۱. واژگان کلیدی و نشان‌دار در بیان اهداف؛ انواع واژگان در هر متن بیانگر اندیشه و ایدئولوژی خاص است. این موضوع را از واژگان و کلیت متن می‌توان درک کرد. به‌خصوص که «واژگان نشان‌دار علاوه بر اشاره به مصداق خاص در بردارنده نگرش و طرز تلقی نویسنده و گوینده هم هستند حامل دیدگاه و نگرش ارزش‌گذار و تلقی‌های ایدئولوژیک هستند و به همین جهت دارای شاخص اجتماعی هستند» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۳۵۵) روزنامه‌های طباطبایی هم از این امر مستثنا نبوده و در گفتگویی که بین جهان متن، جهان نویسنده و جهان خواننده هست احساس تعهد و بازنمایی اندیشه که دغدغه نویسنده بوده در طول متن از واژگان و ترکیبات پیداست. این واژگان محمل اندیشه خالق اثر و فضای ذهنی او هستند. «در بررسی لایه واژگانی توجه به نوع واژه‌های به‌کاررفته در متون اهمیت زیادی دارد. توجه به رمزگان از نکات ضروری در بررسی این لایه است.» (خراسانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۸۰) با توجه به تحول فکری طباطبایی در طول دوره روزنامه‌نویسی لایه واژگانی قلم او که مطابق بن‌مایه‌های اندیشگانی او بوده مطابق نرم واژگان عصر مشروطه است. این واژگان در حوزه‌های مختلف توجه به موضوع عدالت‌طلبی و توجه به استبداد است. در خصوص وطن، واژگانی مثل کشور ایران، استقلال، عامه، ملت، مملکت، ناموس ملی، مدافعات وطن، عرض وطن، پارلمان، قانون دموکراسی حق حاکمیت قیامت رستاخیز کابینه وطن‌پرست دارای بسامد بالایی هستند.

به‌کارگیری واژگان تندوتیز همچون خائن پست‌فطرت، جانی، نمک‌ناشناسان، تصورات باطله، اراجیف، خرافات، شیطنت، افترا و... نشان از روح انتقادی و اعتراضی او دارد. توجه به اصطلاحات مربوط به عدالت‌طلبی از جمله مظلوم، عدالت‌خواهی، تنویر افکار عامه، ظلم و استفاده از واژگان استبداد، توقیف، بی‌انصاف، ننگ، بی‌شرفی، بی‌ناموس، منظره‌های خونین، اسفناک، رشوه، دریای

قهر و غضب مداخلات و استفاده از واژگان تجددخواهی مثل سیل تجدد دول متمدن و غیره به‌عنوان واژگان نشان‌دار مجموعاً نشان‌دهنده نظام فکری طباطبائی و ستون فقرات لایه ایدئولوژیک اوست. استفاده از کلمات فرنگی مثل فیزیولوژی، پرتست، رولوسیون، مرنارد و... در این دوره به علت ارتباط با فرنگ رواج می‌یابد و استفاده از واژگان عربی همچون معلومات عمیقه، دول متمدنه، آنآ، حکم عدلیه و... در حد معمول این دوره است.

با توجه به ویژگی‌های جامعه‌شناختی دوره معاصر زبان جزو لاینفک ایدئولوژی و فرهنگ است بر همین مبنا روزنامه‌ها که مخاطب عام دارند از ابزارهای فرهنگی محسوب می‌شوند. از بیان اهداف سید ضیاء می‌توان به برخی از واژگان زبانی او در حوزه سیاسی و مشروطه‌خواهی دست‌یافت. او در اولین شماره شرق، هدف از انتشار روزنامه را «ترویج علوم و معارف مشرق زمین»، شکستن «شمشیر فساد»، دفاع از «استقلال وطن مقدّس»، «افشای دورویی» و «رساندن صدای دادخواهی مظلومان به گوش اولیای امور» اعلام کرده است. از انتخاب واژگان در هدف و مسلک روزنامه شرق نوع واژگان موردعلاقه او برای درک لایه اندیشگانی قابل‌درک است. او درباره مسلک شرق چنین نوشته است: ۱. استقلال ایران؛ ۲. تجدّد آئی؛ ۳. تنقید عامه و خاصه؛ ۴. نشر مقالات سایر فرق علمی، هنری، ادبی و تجاری که از نداشتن مجله یا روزنامه ناگزیرند و فقر مملکت مانع بقای انتشار آنان است؛ ۵. هواخواهی مظلومین و فقرا (شرق)، ش ۲۳، ۱۰ شوال ۱۳۲۷) ذیلاً به بخشی از لایه‌های ایدئولوژی واژگانی در قلم سید ضیاء و رابطه آن با شرایط سیاسی اجتماعی دوره مشروطه پرداخته می‌شود.

۲-۲-۲. ورود لغات فرنگی؛ از نظر زبانی در همه روزنامه‌ها واژه‌های فرنگی آسان در حول واژه‌های فارسی و دخیل عربی مترادف آن‌ها می‌نشینند. رفتار زبانی سید ضیاء در برخورد با واژگان بیگانه عادی و شبیه برخورد با لغات فارسی است: واژگان فرنگی به خط فارسی نقل و اصل لاتین آن‌ها در پرانتز ذکر می‌شد: «علمای علم فیزیولوژی Physiologie (علم و وظایف الاعضاء) و پسیکولوژی (علم احوال الروح) Psychologie می‌گویند...» (همان، ش ۴، ۲۲ ذی‌القعدة ۱۳۳۱)؛ همچنین ترجمه لغات تازه‌وارد فرنگی در برق نیز رواج دارد: «اخیراً مدال، یعنی نشان افتخار، برای کسانی که در میدان رزم آزمائی با آلمانی از فداکاری مضایقه نکردند.» (همان، سال اول، ۱۱ ذی‌القعدة ۱۳۳۱)



«گر هم خزانه‌داری امروزه به مأمورین و عمال جدید احتیاجی داشته باشد به نظر ما به مأمورین و مستخدمین اداری درجه اول که مسیو مورنارد لازم می‌داند محتاج نیست.» (همان، ش ۸، ۶ ذی‌الحجه ۱۳۳۱)،

«اظهار نجابت در یک (پرتست) و اعتراض لازم اثبات حق طرف کردن نتیجه می‌دهد.» (همان، ش ۲، ۱۷ رمضان ۱۳۲۷)

«آیا باز (رولوسیون) شروع شده؟» (همان، ش ۲، ۱۷ رمضان ۱۳۲۷)

۲-۳. کاربرد تعبیرات محاوره‌ای؛

نثر او در حد نسیم شمال یا چرند پرند روزنامه صوراسرافیل محاوره‌ای نیست. وی از زبان عامیانه و تکیه کلام‌ها نیز گاه استفاده می‌کند: «اعضاء عدلیه می‌گویند تا شاهی آخر حقوق خود را نگیریم دست از تعطیل درنخواهیم داشت» (همان) «آیا فرانسه‌ها دست را روی دست گذارده و گفتند فرانسه از دست‌رفته است.» (همان)؛ «زیرا چه مسیو مورنارد و چه همکاران او ممکن نیست بدون رضایت سفارتین آب بخورند.» (همان، ش ۸، ۶ ذی‌الحجه ۱۳۳۱).

«چگونه می‌توان متوقع شد، گرگ پاسبان گله گردد؟» (همان، ش ۱۰، ۲۸ رمضان ۱۳۲۷)؛  
«ما حق می‌خواهیم و برای آزادی سنگ به سینه می‌زنیم.» (همان، ش ۱، ۱۴ رمضان ۱۳۲۷)

۲-۴. افعال پی‌درپی در وجه اخباری و استفهامی؛ وی با کاربرد اخباری و استفهامی افعال زبانش را پویا و احساسات و هیجانات خود را بیان می‌کند:

«نفاق نیست که هست. دسته‌بندی نیست که هست. اغراض شخصی نیست که هست. شارلاتانی نیست که هست. آقا سازی نیست که هست. وکیل‌تراشی نیست که هست... وکیل دلسرد، وزیر دل‌مرده، عوام‌لا تکلیف خواص افسرده... چه شد آن جان گذشتگان وطن؟ چه شد آن طرفداران آزادی؟ چه شد آن فدائیان مشروطه...؟ کجاست آن شیر زن‌هایی که با نهایت شوق پسرهای نابالغ خود را آرایش داده اسمعیل وار، به منای آزادی، قربانی می‌بردند؟ کو آن دخترهائی که هلهله‌کنان به استقبال گلوله توپ‌های شراپنل می‌رفتند؟» (همان، ش ۶، ۲۴ رمضان ۱۳۲۷)

۲-۵. الگوی صرفی و نحوی عربی؛

منطبق بر سبک دوره، همچون قیده‌های تنوین‌دار امروز آژانس تلگرافاً خبر می‌دهد (همان، ش ۱۰۹، ۱۰ رمضان ۱۳۲۸)؛ «مطابقت صفت و موصوف» (امروزه تمام دُول متمدنه روی زمین تصدیق

دارند» (همان، ش ۱، ۱۴ رمضان ۱۳۲۷) و عبارات قالبی همچون «آنا فنا» در نوشته‌های او نیز هست: زمانه آنا فنا در تجدد و تبدل است. (همان)

در قلم او نشانه‌هایی از تأثیر نحو عربی وجود دارد: مطابقت صفت با موصوف: «احتیاج خزانه‌داری به متخصصین فن و علمای مالیه است که فنشان فقط مالیه باشد و سایه معلومات و اطلاعات عمیقه و بحری که در فن مالیه دارند بتوانند اصلاحات اساسی را پیشنهاد نموده...» (همان، ش ۸، ۶ ذی‌الحجه ۱۳۳۱) در «شعائر ملی»، عنوان مقاله‌ای او به‌ضمیمه روزنامه رعدشوال ۱۳۶۲ می‌گوید: «اقتباس و استفاده از لغات عرب و استعمال آن در زبان فارسی [فارسی] بدون آنکه ارگان زبان ملی ما را متزلزل کرده باشد و در عین آنکه شکل و صورت خاص زبان فارسی خود را نگاه داشته‌ایم به سبب وجود حکما و دانشمندان و فضلالی خود زبان فارسی عصر اسلامی را از خزائن فکر بشری ساخته و بدین وسیله یعنی از اختلاط این لغات استعداد و قریحه سکنه این سرزمین و تجلیات فکری تمدنی که آن را تمدن ایرانی می‌نامیم نه فقط تقلید کورکورانه نکرده‌ایم بلکه تتبع به‌کاربرده و از مزایای این تشبث و اقتباس در عین آنکه دانه معرفت خود را وسیع‌تر ساخته‌ایم به معرفت و دانش سایر ملل نیز خدمت شایانی کرده‌ایم.» (همان: ۴۷)

۲-۲-۶. مایه‌های شاعرانه؛ در نوشته‌های سیدضیاء، گاه استفاده از مضامین شاعرانه برای تأثیرگذاری بیشتر در همان نظر اول به چشم می‌خورد که قطعه زیر نمونه گویائی از آن است:

«یک انقلاب کلی، یک شورش عمومی، یک میدان مملو از جسد یک دریای پر از خون پشت این پرده، یک بوستان صلح، یک گلستان آزادی، یک چمن اخوت، یک مرغزار مساوات در عالم حس هر صاحب حسی و نقطه‌نظر هر صاحب‌نظری است.» (همان، ش ۱۶، ۸ شوال ۱۳۲۷)

۲-۲-۷. استشهاد به حدیث؛ همچنین کاربرد سجع و مزدوج، جناس، بیان آهنگین و تصاویر شاعرانه نیز در حد سنت‌های ادبی مرسوم برای تأثیرگذاری بهتر کلام در قلم او به چشم می‌خورد.

«نه وکیل به تکلیف خود مکلف، نه وزیر به وظیفه خویش موظف، نه از اصلاح‌خبر، نه از عمران اثر... هرکسی را سودائی در دل و هوائی در سر. هر بی‌خبری را توقع ریاست لشکر [و] صدارت کشور.» (همان، ش ۶، ۲۴ رمضان ۱۳۲۷)

«خدایا! تا کی تخم بی‌ثمر بکاریم و نهال بی‌بر بار آریم... بار خدایا، تو بهتر دانی که آسمان سیاست اروپا، با ستاره‌های گلوله توپ گروپ زینت یافته و شفق غروب آسیائیان با خون ترک و تاجیک رنگین گردیده، تاکی باید از امتزاج باد و خاک طوفان مرگ خیزد و از نوک کلک سیاسیون چشمه خون گردد... ای کاش از ابر غضب حضرت احدیت از دریای قهاریت می‌بارید و سیل عدالت بااقتدارت از کوه جباریت فرومی‌ریخت تا دامن

خاک از تحمل وجودهای ناسازگار شسته و سطح زمین از بخار تیره‌وتار آسوده می‌گشت.» (همان، سال اول، ۱۱ ذی‌القعدة ۱۳۳۱)

«افکار بشری در جلو سیل تجدد به همان ترتیب تبدیل و تجدید می‌یابد. کسانی که در مقابل ترقیات و اختراعات جدیدة فنّ جرّ ائقال<sup>۳</sup>، استعمال و صور و اعمال و آلات و ادوات قدیمه را کافی دانسته‌اند و به همان قانع هستند روز به روز خود را به دَرکِه مدنی متنزل و به درجه تنزل سوق می‌دهند.» (همان، ش ۱، ۱۴ رمضان ۱۳۲۷)

کاربرد صنایع ادبی در زبان سید ضیاء متعادل است که از زمرة آن‌هاست:

«بدیهی است با زورق و پارو باب [به آب] زدن نمی‌توان به پای کشتی بخار رسید و با استر سواری و خر لنگ نمی‌شود با شمن دفر<sup>۴</sup> همسفر گردید. به همین قیاس با عادات ماضیه نمی‌توان به سعادت حال و درخشندگی استقبال نائل شد.» (همان، ش ۱، ۱۴ رمضان ۱۳۲۷)

از دیگر نمونه‌های آن:

«ابراهیم مخاطرات افق مملکت ایران را تاریک دارد.» (همان)؛

«حکومت و وزارت ایران مانند گوی در دست گوی‌بازان شده.» (همان)

۲-۲-۸. هیجان‌زدگی و تازگی؛ گاه عنوان مطالب رنگ ژورنالیستی دارد و تازگی و هیجان‌زدگی در آن‌ها به چشم می‌خورد که از جمله آن‌هاست: «ده اگر سگ گیرنده نمی‌داشت، بی‌چوب راه می‌رفتیم» (همان، ش ۱۸، ۱۰ شوال ۱۳۲۷)؛ «ملت بیدار شوید» (همان، ش ۱۰، ۲۸ رمضان ۱۳۲۷)؛ «کارهای کردنی» (همان، ش ۹، ۲۷ رمضان ۱۳۲۷).

۲-۲-۹. ملمع آوردن نثر و بیان امثال و قصه؛ ذکر ابیات عربی و فارسی در خلال متن، در حدّ مرسوم روز، خالی نیست:

چنانچه طبیب‌های فرنگی اگرچه عالم هم باشند باز بی‌معاونت اطبای ایرانی نمی‌توانند معالجه کنند

نرم‌نرمک گفت شهر تو کجاست که علاج اهل هر شهری جداست

(همان، ش ۱۴، ۵ شوال ۱۳۲۷)

«و قطر علی قطر إذا اجتمعت نهر و نهر علی نهر إذا انفقت بحر» (همان، ش ۹، ۲۷ رمضان ۱۳۲۷)

۳. مکانیک

۴. chemin de fer

۲-۱۰. آوردن سبک داستانی؛

او در برابر وضع موجود داستان‌واره‌ای خیالی می‌سازد:

«کشف تازه در کرهٔ مریخ - رصدخانه‌های دنیا پس از رنج بسیار و فداکاری بی‌شمار... یک مملکت تازه‌ای که پر از آدم و حیوان و نعمت‌های طبیعی است در کرهٔ مریخ انکشاف نموده‌اند. حال مملکت بی‌اندازه عجیب‌وغریب به نظر می‌رسد...: مُلکی است با هوای مطبوع؛ دارای چهارفصل منظم؛ خاکی حاصل‌خیز و گران‌بها؛ رودخانه‌هایی عظیم و باغات مشجر باروح دلگشای بسیار و مردمی فقیر و سپاه‌روزگار دارد... حیرت‌انگیزترین ترتیبات آن مملکت وضع اخلاق و آداب مردم آنجاست... آزادی را به اسارت و بندگی، مساوات را به خودپرستی اغماض و ظلم تعبیر می‌نمایند! زرخیز را «آزاد» صدا می‌کنند و هرگونه خلاف حق و جود بی‌اعتدالی را برابری می‌خوانند... به جای لغات راستی، درستی، رستگاری، خدمت، اجر، آسایش و... لغات دروغ، خیانت، گرفتاری، مسند، محرومی و... از هر لغتی بیشتر رواج دارد...» (همان، ش ۵، ۲۰ رمضان ۱۳۲۷)

او با دستمائی قرار دادن پازدی‌وار زندگی در مریخ برخی بی‌رسمی‌های شایع در جامعه همچون مسأله رشوه‌ستانی در ایران را وصف می‌کند:

«این قسم پول دادن را که زمینیان رشوه گفته، عقلای ارضی منع و تقبیح می‌نمایند. مریخیان باکمال علو همت و سربلندی «تقدیمی» اسم گذارده بی‌هیچ خجالت می‌دهند و می‌گیرند.» (همان، ش ۷، ۲۵ رمضان ۱۳۲۷)

### ۲-۳. محتوای اعتراضی

یکی از گسترده‌ترین بخش از ادب امروز ادب اعتراضی است یکی از بزرگ‌ترین حوادث تاریخ ایران که در اواخر دوره سلطنت قاجاریه، سبب تحولات گسترده سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در ایران شد انقلاب مشروطیت بود که حکومت استبدادی را که دارای سابقه طولانی بود متزلزل کرد و زمینه سقوط حکومت قاجاریه را فراهم آورد. این تحول هم در محتوا و هم در شکل ظاهری حکومت تأثیر گذاشت. روزنامه‌ها سهم عمده در این تحول ایفا کردند. آثار قلمی سید ضیاء در روزنامه‌های او از موارد مهم تأثیرگذار در این زمینه هستند. مضامین واژگانی او بیانگر اندیشه و افکار و ایدئولوژی او محسوب می‌شوند. ذیلاً به دسته‌بندی و تحلیل هر یک از این موارد می‌پردازیم.

## ۱-۳-۲. اعتراض اجتماعی

۱-۳-۱-۲. اعتراض به بستن روزنامه شرق؛

سید ضیاء با توقیف روزنامه شرق در شماره اول برق نوشت:

«روزنامه شرق که فقط جریده آزاد و بی‌غرض ملی بود تقریباً بیست روز است از طرف وزرای عظام به اسم تجدّد پرور به علّت هواخواهی ناموس ملی به جرم طرفداری از شرف ملّت و... محکوم به توقیف گردید... آیا از توقیف شرق زبان ما بسته شد؟ قلم ما شکسته گردید؛ افکار ما از میان رفت؛ نیاتمان در بوته اهمال ماند؛ اشتباهی بس بزرگ، خطایی بس سترگ. شرق را توقیف کردید برق را منتشر ساختیم؛ برق را توقیف بکنید رعده را طبع و نشر می‌سازیم.» (برق، ش ۱، ۵ شوال ۱۳۲۸)

در ۲۶ شوال ۱۳۳۱ روزنامه برق دوباره منتشر شد سید ضیاء می‌گوید:

«... پس از دو سال و نیم که از مدّت توقیف شرق و برق می‌گذرد. به امید تئور افکار عامه، لازم دانسته خود را حاضر برای این خدمت نمودم و با سوابق شایسته و موقعیتی که روزنامه ملی «برق» در انظار هم‌وطنان محبوبم حاصل نموده بهتر دانستم که اکنون نیز تجدید مطلع نموده برای تذکار روزهای گذشته بدین نام ستوده نامه آزاد خود را منتشر سازم.» (همان، ۲۶ شوال ۱۳۳۱)

۲-۱-۳-۲. تندزبانی؛ یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های زبانی سید ضیاء تندزبانی است؛ زبان تند او در انتقاد

از دولت و کابینه باعث شد که این روزنامه، در دوره انتشار، چهار بار توقیف شود.

لازم دانستیم، برای مدافعه اثرات محرّری بی‌انصاف و توجّه افکار عمومی اروپا، نسبت به مظلومی مثل ایران و عدم پیشرفت امور به واسطه اقامت قشون روس... یک صفحه روزنامه خود را صرف مدافعات وطن نموده به فرانسه منتشر سازیم. (شرق، ش ۹۱، ۱۰ جمادی‌الثانی ۱۳۲۸)

تندزبانی‌های سید ضیاء، حتّی زمانی که مدیرمسئول هم نبود، ادامه داشت... زیرا که او «روزنامه را زبان ملّت می‌داند»:

«روزنامه زبان ملّت است. همین‌که بخواهیم بگوییم و باور کنیم که جان‌ها داده و مشروطه گرفته‌ایم؛ یعنی آزاد هستیم که هر عیبی ببینیم و چاره‌ای پیدا کنیم. اعم از اینکه آن عیب خدای ناخواسته از شاه باشد یا وزیر یا وکیل بی‌لکنت زبان باید گفت.» (همان، ش ۱۳، ۴ شوال ۱۳۲۷)

۲-۱-۳-۲. دشنام و ناسزا؛ زبان او گاه به دشنام نیز گشوده می‌شود:

«چه بی‌شرفی و چه ننگی از این بالاتر که حکومت و دولت متعدّی قشون خود را به داخله مملکتی وارد نماید و اهالی آن آب‌و‌خاک بی‌ناموسانه ساکت بوده و عدم رضایت خود را از حرکات متعدّی اظهار نسازند.» (همان، ش ۴۳، ۱۴ ذی‌القعدة ۱۳۲۷)

«باز باکمال تأسّف می‌شنویم دون فطرتان پست طینت برای جیفه دنیا، چشم از شرف و ناموس عرض و وطن خود پوشیده، [برای] منافع شخصی همه گونه رذالت را به خرج می‌دهند. به‌تازگی درصدد استخلاص اعظم‌الدوله خائن جانی برآمده‌اند.» (همان، ش ۱۰۷، ۲۵ شعبان ۱۳۲۸)

۲-۳-۱-۴. صراحت لهجه و بی‌پروایی در گفتار؛ از ویژگی‌های زبانی سیدضیاءالدین طباطبائی است. او در تظلم‌هایی که در شرق چاپ می‌کند، نام صاحب‌منصبان ظالم را، صریح، بیان می‌کند:

«میرزا تقی‌خان رکن‌الورزاء، عضو اول شعبه چهارم ابتدائی حقوق چندی قبل از سید حسین نام وکیل یک تومان تعارف یا به عبارت واضح رشوه گرفته بود.» (همان، ش ۴، ۱۸ رمضان ۱۳۲۷)

سید ضیاء در برقی نیز بی‌ملاحظه و با تصریح به نام اشخاص از پنهان‌کاری‌ها، خاصه‌خوری‌ها و بخشش امتیازهای کابینه پرده برمی‌دارد: «از قرار اطلاعی که حاصل گردیده... وزارت فواید عامه را... به مستشارالدوله تفویض کرده‌اند. تحقیقاً در این مدت هشت مرتبه به وزارتخانه تشریف نبرده‌اند...» (همان)

«ما تفصیل مداخلات خزانه‌دار کل در امور فواید عامه و فرامین بی‌اصل حاج معین‌التجار و شرایط امتیاز گل‌سرخ [خاک منحصربه‌فرد جزیره هرمز] و امتیاز سایر معادن را مشروحاً در نمرات بعد به نظر قارئین خواهیم رساند.» (همان)

و با لحنی تند، سیاستمداران را بازخواست می‌کند و از آن‌ها توضیح می‌خواهد:

«ما واقعاً نمی‌دانیم باید تا کی بی‌تکلیف باشیم؟ و تا چند اوقات گران‌بهای عمر کوتاه ایران را به امروز و فردا بگذرانیم. نایب‌السلطنه ما راست که به یک اقدام جدی‌تر بحران کابینه را خاتمه دهند.» (همان، ش ۲، ۱۵ ذی‌القعدة ۱۳۳۱)

۲-۳-۱-۵. سرزنش و توبیخ مخاطبان؛ او ضمن توبیخ مخاطبان خود که عموماً دولتمردان‌اند، به مردم خبررسانی می‌کند چنان‌که درباره خبر «گرو گذاشتن جواهرات دولتی در بانک روس» می‌نویسد:

«ای آقایان عظام که محل ناموس و پشت ملت و یک‌مشت بیچارگان هستید. آیا هیچ انصاف ندارید یا هیچ از خدا نمی‌ترسید؟ هیچ از وظایف مکلفه انسانیت نمی‌کشید؟ هیچ به این آشکاری از حقارت و پایمال کردن

آبروی ملت ملاحظه نمی‌کنید؟ آیا از برای کدام اساس و کدام قواعد و به کدام مقصود جواهرات دولتی را رهن گذارده و به قرض نمودن یک‌صد و پنجاه هزار تومان مجبور شدید؟» (همان، ش ۱، ۱۴، رمضان ۱۳۲۷)

۲-۳-۱-۶. ناله و نفرین؛ چون به استیصال می‌رسد زبان به ناله و نفرین باز می‌کند:

«ای مرگ! ای آسایش دائم! کجائی که دردهای جان‌سوز مرا به یک خواب ابدی بدل کنی که وطن خود را دچار این همه بدبختی نبینم.» (همان، ش ۲۶، ۱۹، شوال ۱۳۲۷)

سید ضیاء در ایام عزاء، روزنامه را تعطیل و در روزهای جشن تبریک چاپ می‌کند. در شماره صد و پنجاه و هفتم، مصادف با شب‌های قدر، پس از شکوه و زاری از وضعیت نابهنجار زبان به استغاثه می‌گشاید:

«عجب منظره تیره و فضای تاریکی است! مگر روز رستاخیز است؟ آری قیامت ایران امروز است... گویا چاره منحصر به استغاثه در درگاه رب العزّه باشد که هوای محیط ایران را از لوث اصطکاک این نظریات زهرآلود منزه و مبرا سازد. تمام ساکنین ماورای طهران و محیط ایران در این شب‌های عزیز قدر قرآن مجید را به سر گذارده با خلوص عقیدت و نیت مقدّس به بارگاه قدس الهی نظری افکنده از مقرّبین عرش اعلا استمداد نجات از این گرداب‌های بدبختی را مسئلت کرده عرض کنید بک یا الله! بک یا الله - به محمد به محمد.» (همان: ۱۸، رمضان ۱۳۳۳)

۲-۳-۱-۷. تهدید به افشاگری؛ با اطلاعاتی که از سران دارد تهدید به افشاگری می‌کند:

«اگر پس‌فردای اشاعه شماره سیزده توضیحات لازمه از طرف هیئت وزراء نرسد البتّه اداره شرق به هیچ‌وجه دیگر صبر و حوصله نخواهد داشت. گفتنی‌ها را خواهد گفت و نوشتنی‌ها را خواهد نوشت.» (همان، ش ۱۳، ۴، شوال ۱۳۲۷)

۲-۳-۱-۸. شوراندن مردم؛ او گاه مردم را می‌شوراند:

«حال که ما وزیر نداریم و هیچ‌کس به ظلم‌های فاحشی که در هیچ قرن استبدادی نمی‌شد و امروزه می‌شود گوش نمی‌دهند ما هم خطاب به ملت کرده می‌گوییم ملت اگر شرف دارید ناموس دارید برای حفظ شرف و ناموس حق دارید آنچه می‌توانید بکنید.» (همان، ش ۱۰۹، ۱۰، رمضان ۱۳۲۸)

طرفداری از اصلاحات بالاخص اصلاحات ارضی (- همان، ش ۱۰، ۲۸، رمضان ۱۳۲۷)، تفکیک قوا (همان، ش ۴، ۱۸، رمضان ۱۳۲۷)،

۲-۳-۱-۹. تفاخر به گذشته ایران، سید ضیاء با رجزخوانی، خطاب‌های بلندبالا، تکرارهای شعارگونه مخاطبان را با خود همراه می‌سازد:

«ای منتخبین که سررشته امور یک مملکت را در کف مسئول خود گرفته‌اید... ای فداکارانی که وطن‌دوستی خود را از راه اعمال خود به مردم دنیا نشان داده‌اید، مسئولیت حیات و ممات یک ملت بزرگ مشرق به گردن شماست. تذلل در مقابل تهدید اجانب که رسم سابق دربار ایران بوده، امروز برای مزاج مملکت سم مهلک و زهر کشنده است... بس است تصریح در مقابل تهدید. بس است اظهار طاعت. بس است ترس بی‌معنی. بس است ملاحظات بی‌جا و ابراز نزاکت.» (همان، ش ۲، ۱۶ رمضان ۱۳۲۷)

۲-۳-۱-۱۰. اظهار یأس از وضع موجود؛ یکی دیگر از تمهیدات روایی سید ضیاء در نقد اجتماعی گزارش‌نویسی او از وضع نابسامان است. وصف زمان و مکان واقعی، توجه به شخصیت‌پردازی و جزئیات روحی و جسمی چهره‌های داستانی، مکالمه شخصیت‌ها از جمله ویژگی‌های گزارش‌نویسی اوست: زیارت و سیاحت

شوق زیارت حضرت عبدالعظیم، میل به تماشای اوضاع و رفتار عمومی، پنجشنبه گذشته چهار به غروب مانده، مرا با یکی از رفقای خود به اطراف حرکت داد. من با رفیقِ راهم به «تراموای<sup>۵</sup>» سوار شده چیزها دیدم که بی‌اندازه کسالت‌آور بود. تراموا به قدری آرام می‌رفت که فی‌الواقع ما را از وصول به مقصد مأیوس می‌کرد. رفیق من می‌گفت که «آیا برای ما میسر نخواهد بود که یک چیز منظمی در مملکت خود ببینیم؟»

ببین! ببین! این دکان‌ها را! این بازارها را! این کوچه‌ها را آه! آه! تماشا کن...

آرنج‌های خود را به نیمکت جلو خود تکیه داده، سرم را در میان دست‌ها گرفته، در دریای خیال غوطه‌ور بودم...

دراین‌بین، رفیق به من خطاب کرده گفت: ببین! ببین! چه گردی! چه غباری!

... من از حال طبیعی خارج شده بودم. خون در عروقم به جوش آمده بود.

این چه شهری است! این چه مردمی! بلدیه مگر وجود ندارد؟ اگر هست به چه کار مشغول است؟ اگر نیست چرا نباید باشد؟ این قدر غفلت، تا این درجه لاابالی‌گری!

رفیق من گفت بلدیه قدیم منفصل شد. حال مشغول انتخاب جدید هستند. باید منتظر اقدامات آن‌ها شد...

(همان، ش ۱۰، ۲۸ رمضان ۱۳۲۷)

این شگرد در شماره‌های بعد نیز از سر گرفته می‌شود و از شماره شصت و چهار با عنوان «اوضاع کواکب» طنزواره‌ای در شرف چاپ می‌شود که در آن، به اصطلاح با رصد احوال نجومی، برای ایران، آبادی و زندگی بهتر پیشگویی می‌شود:

<sup>۵</sup>. اشاره به تراوای اسبی است که در خط‌گاز ماشین (ایستگاه تراموای شاه عبدالعظیم - باغشاه از آن بهره‌برداری می‌شد.



«اوضاع کواکب در این ماه دلالت دارد بر نزدیک‌تر شدن به تابستان، انصراف از استقراض خارجی، بی‌میلی مردم از کرسی و بخاری، ابراز احساسات و وطن‌پرستانه ایرانیان، تلبس بعضی از مردم به البسه بهاری، سبقت جستن جماعت نسوان بر مردان در اقدام به امور خیریه و استقراض داخلی، بارندگی‌های بهاری و تگرگ‌های ربیعی، پیشنهاد استقراض داخلی به دارالشورا،...» (همان، ش ۶۴، ۵ ربیع‌الاول ۱۳۲۸)

## ۴-۲. انتقاد و اعتراض سیاسی

۴-۲-۱. طرح موضوع دموکراسی؛ در نوشته‌های او درباره موضوع‌های سیاسی و حق حاکمیت مردم بر مردم سخن به میان می‌آید: «در پیش گفتیم که تبدیل مؤسسات سیاسی ملل توأم با تغییر افکار و احتیاجات آنان است. این تبدیلات هم نتیجه یک اتفاقات بطئی السیری است. همان‌طور که قوانینی که تمام موجودات را اداره می‌نماید بالطبع مؤسسات سیاسی ملل را هم اداره می‌کند... راستی خواندن قوانین اجتماعی یک قومی از مطالعه تاریخ آن‌ها بیشتر منتج و مفید است نتیجه خواندن قوانین ملل پی بردن به حقیقت احوال روحیه و احتیاجات ظاهریه آنان است... امروزه مطالعات ژوزف دومه‌ستر در منشأ دول یا تصورات ژان ژاک روسو در اساس حکومت دموکراسی بیش از یک نظریه شخصی نمی‌تواند مؤثر در اجتماعیات و تغییرات مؤسسات ملل یا اقوام دنیا بشود... کسانی که از تنگی فکر و پستی خیالات خود منکر حق حاکمیت ملت و دریای قهر و غضب هیئت اجتماعی هستند؛ می‌توانند از رجوع و مطالعه صفحات تاریخ مللی که داخل در خط اخذ حقوق خود و تکامل گردیده‌اند، حال و شامت روزگار خیانت‌کاران را فهمیده و متنبه شوند.» (برق، ش ۳، ۱۸ ذی‌القعدة ۱۳۳۱)

دسترسی سید ضیاء به منابع درجه اول اطلاعاتی و استفاده از ایشان نکات جالب توجه روزنامه‌های سید ضیاء بالأخص برق است: «نظر به اطلاعات مستقیمی که از مبادی رسمی حاصل نموده‌ایم اولیاء دولت اخیراً آقای سردار محشم (وزیر جنگ سابق) را به سمت حکومت کرمان و بلوچستان انتخاب نموده‌اند.» (همان، ش ۴، ۲۲ ذی‌القعدة ۱۳۳۱)

۴-۲-۲. انتقاد از بزرگان؛ زبان برق همچون سلفش از بی‌پروائی خالی نیست و این ویژگی در سر مقاله‌ها نمود بیشتری می‌یابد:

آیا سزاوار نخواهد بود که قدری هم چشم‌های بی‌بصیرتمان را از بزم‌های قصور عالیه طهران به منظره‌های خونین اسفناک ایران افکنده، نه برای رضای خدا، یا ترحم به حال ضعفا، بلکه برای تأمین روزگار تیره آینده خودمان

به فکر اصلاح خرابی‌های یک مملکتی که فقط برای حظ نفس ما قبرستان جوانان گردید!... و یک کشوری که تنها برای مستی و می‌خوارگی ما دریای خون گردید!... و یک ملت‌تی که برای خودسری و کیف‌مایشانی ما گرفتار هرگونه ذلت و اسارت گردید!... بنماییم (همان، ش ۵، ۲۵ ذی‌القعدة ۱۳۳۱)

سید ضیاء خطاب‌هایی مستقیم به نایب‌السلطنه دارد؛ لحن وی بازدارنده است. این نوع سخن به کنایه گفتن تلاشی برای حفظ احترام پادشاه است.

گمان می‌کنم زمامداران اموری که به نام ملت رشته سعادت اجتماع ما را به دست گرفته‌اند برخلاف وظایف وجدانی خود عمل نمی‌کنند... برای اینکه فهمیده‌اند هر دولتی که شرافت قول خود را محفوظ ندارد دوام و بقائی نخواهد داشت... برای اینکه می‌دانند هنوز مادران پسرمرده [و] زنان شوهر کشته‌شده لباس عزای جوانانی را که برای آزادی ملت فدا کرده‌اند از تن به در ننموده‌اند... (همان، سال اول، ۱۱ ذی‌القعدة ۱۳۳۱)

سید ضیاء گاه، با قصه‌گویی و نقیضه‌پردازی، ناهنجاری‌های شایع در جامعه را به باد انتقاد می‌گیرد. شرق در شماره پنجم که تازه از توقیف درآمده، تند زبان‌تر می‌شود و پس درج خبر کشف وجود اکسیژن در مریخ در شماره چهارم:

«موافق معلومات و کشفیات پرفسور پرسیوال لول ثابت شده که در کره مریخ «اکسیژن» وجود دارد.» (همان، ش ۴، ۱۸ رمضان ۱۳۲۷)

۲-۴-۳. اعتراض به بازگشایی مجلس؛

در برخی از شماره‌های روزنامه، نشانه‌های بازی‌های بصری دیده می‌شود. مثلاً در شماره سی‌وششم (غرّة ذی‌القعدة ۱۳۲۷) که خبر بازگشایی مجدد مجلس را منتشر کرده، روزنامه به نشانه حال و هوای شادمانه جامعه به خاطر بازگشایی مجلس، بارنگ سرخ چاپ شده است.

۲-۴-۴. اعتراض به حضور بیگانه؛

در بیشتر شماره‌های شرق، درباره لزوم خروج نیروهای بیگانه از ایران، «بالأخص روس‌ها»، مطلبی آمده است یا کنش‌های سیاسی کشورهای دیگر را گزارش می‌کند و تأثیر آن‌ها را در اوضاع ایران شرح می‌دهد:

«هر ایرانی وطن‌پرست... به خوبی دریافته است که وطنش، ایران، سخت مریض است... و با فریاد جان شکاف خود تکرار می‌کند که این مریض مداوا لازم دارد و محتاج طبیب است... همه می‌بینیم که روز به روز مرض در شدت است و سبب آن نیز مداخلات غیر محقّانه اجانب می‌باشد.» (همان، ش ۱۲، ۳ شوال ۱۳۲۷)

نقد دخالت اروپائیان در امور ایران (همان، ش ۸، ۶ ذی‌الحجه ۱۳۳۱) از اهم مندرجات برق است.

من جمله نظر او درباره اصلاحات ظاهری در جامعه ایرانی چنین است:

«کلاه‌فرنگی و موهای زرد حنائی فقط برای ادخال تمدن و اجرای اصلاحات در یک مملکتی کفایت نمی‌نماید. کله اروپائی کله اروپائی را هم لازم دارد تا بتواند کاری از پیش ببرد.» (همان)

اعتراض به خبر مرگ سرداران نهضت؛ خبر درگذشت چهره‌هایی چون ستارخان (همان، ش ۲۶، ۲۹ ذی‌الحجه ۱۳۳۲) و رئیس‌علی دلواری (همان، ش ۱۷۴، ۲۹ سؤال ۱۳۳۳) از جمله دیگر مطالب منتشرشده در رعد بود. سید ضیاء در شماره بیست‌وهفتم (۳۰ ذی‌الحجه ۱۳۳۲) مقاله‌ای درباره زندگی و مجاهدت‌های ستارخان منتشر کرده است.

گویا خوانندگان رعد انتظار دارند که مانند سایر ممالک همین‌که سال به آخر می‌رسد محرّرين زبردست هیئت‌های اجتماعیه با یک نشاط سرشار و ذوق لطیف ورود سال جدید را به‌وسیله ثبت و ضبط وقایع موافق آمال خود تهنیت گفته... ما نیز گزارشات سیصدوشصت‌روزه محیط ایران را با تبریک نوروز فیروز به عرض آن‌ها برسانیم. ولی بدبخت نویسندگان افسرده‌دل ایران که با یک سیمای پژمرده تماشاجی و شاهد مناظر وحشت‌افزا بوده‌اند... (همان، ش ۹۰، ۵ جمادی‌الاول ۱۳۳۳)

۲-۴-۵. پذیرش قدرت و کودتا؛ سید ضیاء پس از کودتا و رسیدن به منصب رئیس‌الوزرائی در ۷ حوت ۱۲۹۹، در این بیانیه وانمود کرد که او چهره نخست کودتا نبوده و شاه وی را منصوب کرده است. زبان او در این بیانیه ساده، پیراسته و نزدیک به زبان معیار امروز است: هم‌وطنان!

«بالاخره روز واژگون‌شدن و انتقام فرارسید. در این روز تاریخی و هولناک است که اراده نیرومند اعلیحضرت اقدس شاهنشاه زمام امور را در دست من جای می‌دهد، مرا روی کار می‌آورد. اکنون قضا و قدر مرا تعیین کرده است... من اطاعت امر تاجدار ارجمند، این پیشامد را وظیفه مقدّسه وطن‌پرستی و انسانی - دوستی گرفته شانه‌های خویش را حاضر برای قبول این بار می‌نمایم.» (مستوفی، ۱۳۸۶: ۱۸۱۲-۱۸۱۸)

۲-۴-۶. مناظره با مصدق؛ جلسه تصویب اعتبارنامه سید ضیاء در مجلس (اسفند ۱۳۲۲)

جلسه تصویب اعتبارنامه سید ضیاء و مناظره او با دکتر مصدق «یکی از پرهیجان‌ترین جلسات شورای ملی از بدو تاریخ مشروطیت ایران» بود. (کاوسی، ۱۳۲۳: ۳). سید ضیاء، پیش‌تر، در شماره هشتم روزنامه شرق (۲۷ رمضان ۱۳۲۷ ق)، ترجمه مصاحبه از دکتر مصدق با روزنامه لائول را منتشر کرد و در آن مصدق را مشروطه طلبی لایق معرفی نمود. اما سال‌ها بعد در روزنامه رعد (ش ۶۰، ۲۳ ربیع‌الثانی ۱۳۳۶) و بعدتر در مجلس

شورا وی را آماج بدزبانی ساخت. مناظره میان مصدق و سید ضیاء نه تنها از جهت تاریخ سیاسی ایران که از حیث زبان ژورنالیستی نیز شایسته توجه است:

- آقای دکتر مصدق السلطنه! یکی از افتخارات من این بود که مقدماتی را فراهم آوردم که روزنامه‌نویس رئیس‌الوزرا بشود و ایران از دست شما سلطنه‌ها و دوله‌ها نجات پیدا کند. بلی آقای مصدق السلطنه.

- دکتر مصدق: بله قربان

- این سیدضیاءالدین بود که شماها را به چنگ آورد...

- اما راجع به محبوسین اولاً کسی حبس نشد آقای مصدق السلطنه تحت نظر قرار گرفتن و حبس شدن تحت نظر قرار گرفت حالا فرض کنیم حبس شد.

- دکتر مصدق السلطنه: استغفرالله

- شما می‌فرمائید استغفرالله دعوا نداریم یک نمکی هم در محاورات باشد، بد نیست. در مملکت ایران قبل از مشروطه و پس از مشروطه حبس کردن مردم یکی از امور عادی بود... چیزی که بی سابقه بود این بود که سلطنه‌ها و دوله‌ها و ملک‌ها و ممالک‌ها را بگیرند این را تصدیق می‌کنم (خنده حضار)  
افتخار پیدایش این سابقه با بنده است...

جنابعالی [مصدق] را به واسطه خیانتی که کردید می‌بایستی حبس کنم... شما خواستید برادرکشی بکنید. شما مجرم بودید؛ شما جانی بودید؛ ولی چرا ترتیب اثر ندادم؟ برای اینکه روحیه و قدرت فکری شما را می‌دانستم. فکر شما فلج بود... و یک چیز دیگر هم بود که نخواستم این افتخار را به شما بدهم که به واسطه حبس شما شخصیتی برای شما قائل شوم. (کاوسی، ۱۳۲۳: ۲۱-۲۳)

در ادامه نطق، رندی‌های زبانی سید ضیاء برای مقهور کردن دکتر مصدق و تأکید بر نسب قاجاری وی، به نمک این مناظره می‌افزاید: «در آن موقع دو موضوع مهم در پیش بود آقای مصدق السلطنه، بنده حافظه‌ام خوب نیست از این جهت است که شما را به همان اسم سابقتان خطاب می‌کنم...» (همان: ۲۳)

## ۲-۵. اعتراض فرهنگی

۲-۵-۱. دفاع از تجدد و نوگرایی؛ (همان، ش ۱، ۱۴ رمضان ۱۳۲۷).

۲-۵-۲. تعلیم و تربیت عمومی به‌ویژه برای دختران؛ (همان، ش ۴، ۱۸ رمضان ۱۳۲۷)، ترویج احزاب

سیاسی (همان، ش ۴، ۱۸ رمضان ۱۳۲۷)، حفظ‌الصحه (همان، ش ۷، ۲۵ رمضان ۱۳۲۷)،

۲-۵-۳. ضدیت با خرافات؛ (همان، ش ۹، ۲۷ رمضان ۱۳۲۷)؛

۲-۵-۴. انتقاد از شخص پرستی؛ (همان، ش ۳، ۱۲ شوال ۱۳۲۷) از دیگر مضمون‌ها به شمار می‌روند. سید ضیاء مرد سیاست است. حتی آنگاه که خبر تبعید همکارش، مجدالاسلام کرمانی را منتشر می‌کند به هواداری از آزادی بیان قلم نمی‌زند بلکه به مداخله وزارتخانه‌ها در کار یکدیگر معترض است و این اعتراض را با ما «نمی‌گوئیم» یا «فریاد نمی‌کشیم» می‌پوشاند: «ما نمی‌گوئیم مجدالاسلام خوب یا بد آدمی بوده. ما نمی‌گوئیم این حکم عدلیه موافق قانون عدالت بوده یا نبوده... ما به یک خون‌دل... آه! آه! با یک عالم اسف! از حلقوم حق پرستی، از حنجره حق طلبی فریاد نمی‌کنیم: وزراء نباید حکم صادره عدلیه را نسخ و ابطال نموده به امر وزارتخانه دیگر مداخله نمایند.» (همان، ش ۱۰، ۲۸ رمضان ۱۳۲۷)

۲-۵-۵. مسائل زنان؛ (همان، ش ۶، ۲۹ ذی‌القعدة ۱۳۳۱)

### ۳. نتیجه‌گیری

بررسی قلم و ویژگی‌های زبانی سیدضیاءالدین طباطبائی در روزنامه‌های *ندای اسلام*، *شرق* (۱۳۲۷)، *برق* (۱۳۲۸) و *رعده* (تا کودتای ۱۲۹۹) و نوشته‌های او پس از کودتا که هریک به نوبه‌ای خود بخشی از حافظه تاریخ سیاسی معاصر ایران است، بیانگر آن است که او لفظ را در خدمت معنا به کار گرفته و واژگان او در ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و تجدد خواهانه نشان از شخصیت و منش او دارد و توانسته پیوند مستقیمی بین لفظ و اندیشه برقرار کند. تمامی محتوای سبک زبانی او ایدئولوژیک است. از صراحت لهجه و بی‌پروایی در گفتار، تصریح و تهدید به افشاگری، تندزبانی و رویه سیاسی اعتراض به بزرگان دربار و طرح موضوع دموکراسی و بهره‌گیری از عوام و شوراندن آنان با به‌کارگیری ظرافت‌های زبانی و خطاب‌های مستقیم او به اولیای امور، برمی‌آید که مخاطب روزنامه‌های او عموماً اعضای کابینه، وکلای مجلس و اولیای امور هستند؛ لاجرم زبان او اعتراضی و انتقادی است. او برای تأثیر کلام خود با استناد به لغات عربی و فرنگی و افعال پی‌درپی اخباری و استفهامی و الگوهای صرف و نحو عربی و بهره‌گیری از مایه‌های شاعرانه و گاه استشهداد به سجع و جناس و ملمع آوردن نثر و بیان قصه و داستان، اندیشه اجتماعی و ایدئولوژیک خود را با زبان پیوند زده است. از این جهت ویژگی مهم لایه زبانی او صراحت و تک معنا بودن است و متن برخلاف آثار هنری قابلیت دریافت‌های مفاهیم چندگانه و خوانش‌های مختلف را ندارد.

منابع

الهی، صدرالدین (۱۳۹۳). *سید ضیاء: عامل کودتا*. تهران: فردوس.  
 بارت، رولان (۱۳۶۸) *نقد تفسیری*. ترجمه محمدتقی غیائی. چاپ دوم. تهران. بزرگمهر.

بشیر، ژان (۱۳۷۰) ایدئولوژی چیست؟ نقدی بر ایدئولوژی غربی. ترجمه علی اسدی. تهران. سهامی انتشار. بهار، محمدتقی (۱۳۵۷). *تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران - انقراض قاجاریه*. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

\_\_\_\_\_ (۲۵۳۶) سبک‌شناسی ج ۱. چاپ چهارم. تهران پرستو-امیرکبیر.

پروین، ناصرالدین (۱۳۹۸). *پرسه در تاریخ روزنامه‌نگاری*، تهران: ماهریس.

دوفرن، میکل (تابستان ۱۳۸۳). «سبک»، ترجمه احمد سمیعی، *نامه فرهنگستان*. ش ۲۱. ص ۸۶-۱۰۲.

درپر، مریم (۱۳۹۳) لایه‌های موردبررسی در سبک‌شناسی انتقادی داستان کوتاه و رمان. مجله جستارهای زبانی. شماره ۲۱. صص ۶۵-۹۴.

یوسفیان دارانی، سودابه. رشیدی، مرتضی. خراسانی، محبوبه (۱۳۹۵) تحلیل ایدئولوژیک غزل اجتماعی دوره مشروطه. مجله پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی دوره ۷ صص ۲۲۵-۲۴۹.

رشیدیان، عبدالکریم (۱۳۹۳) فرهنگ پسامدرن. تهران. نشر نی.

رضوانی، محمد اسماعیل (۱۳۷۱) سیری کوتاه در تاریخچه روزنامه‌نگاری سید ضیاء‌الدین طباطبائی. گنجینه اسناد. بهار و تابستان. شماره ۵ و ۶ صص ۶۲-۷۱.

طباطبائی، سید ضیاء‌الدین (۱۳۲۹). *تعلیمات ملتیه*. تهران: فاروس.

\_\_\_\_\_ ۱۲۸۸ روزنامه ندای اسلام.

\_\_\_\_\_ (۱۳۲۷) روزنامه شرق.

\_\_\_\_\_ (۱۳۲۸) روزنامه برق.

\_\_\_\_\_ ۱۳۲۸ روزنامه‌های رعد.

\_\_\_\_\_ (شوال ۱۳۶۲ ق). *شعائر ملی، ضمیمه رعد امروز*.

فتوحی رود معجنی، محمود (۱۳۹۰) سبک‌شناسی. تهران انتشارات سخن.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۱) سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها. تهران. سخن.

کاوسی، هوشنگ (۱۳۲۳). *یک صفحه از تاریخ مشروطیت ایران - جریان مشروح دو روز تاریخی ۱۶ و ۱۷ اسفند ۱۳۲۲*.

مستوفی، عبدالله (۱۳۸۶). *شرح زندگانی من - تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاری*. تهران: هرمس.

مگی، حسین (۱۳۶۱). *تاریخ بیست‌ساله ایران*، جلد اول، تهران: نشر ناشر.

وردانک، پیتر (۱۳۹۳) مبانی سبک‌شناسی ترجمه محمد غفاری چ دوم. تهران نی.

همایی، جلال‌الدین (۱۳۶۸) فنون بلاغت ادبی. چ ۲۶. تهران. هما.

[بی نام]، [بی تا]. *فرزند انقلاب ایران* یا ترجمه حال آقای سیدضیاءالدین طباطبانی رئیس الوزرای اسبق ایران. نشریه حزب وطن. [تهران]: چاپخانه بانک ملی.

## References

Simpson P. (۲۰۰۴). *Stylistics: A Resource Book for Students*. London: Routledge

Van Dijk, T. (۲۰۰۱). *Multidisciplinary CDA. a plea for diversity*. In R.

## References

Elahi, Sadruddin (۱۳۹۳). *Seyyed Zia: the coup agent*. Tehran: Ferdous.

Barth, Rolan (۱۳۶۸) *interpretative criticism*. Translated by Mohammad Taghi Ghayashi. second edition. Tehran. Bozorgmehr

Beshler, Jean (۱۳۷۰) *What is ideology? A critique of Western ideology*. Translated by Ali Asadi. Tehran. Sahami publication

Bahar, Mohammad Taghi (۱۳۵۷). *A brief history of Iran's political parties - the extinction of the Qajar dynasty*. Tehran: Aahami publication Book.

\_\_\_\_\_ (۲۶۳۶) *Stylogy Volume ۱*. Fourth edition. Tehran Prasto - Amir Kabir

Parveen, Naseruddin (۱۳۹۸). *Perse in the history of journalism*, Tehran: Mahris.

Dufresne, Mikel (۱۳۸۳). "Sabek", translated by Ahmad Sami, Namah Farhangistan. Vol. ۲۱. Pp ۸۶-۱۰۲.

Draper, Maryam (۱۳۹۳) *Layers examined in critical stylistics of short stories and novels*. Journal of language essays. No. ۲۱. pp. ۵۵-۹۴

Yousefian Darani, Sudabah. Rashidi, Morteza. Khorasani, Mahbubeh (۱۳۹۵) *Ideological analysis of the social poem of the Mashruta period*. Journal of Literary Criticism and Stylistic Research, Volume ۷, pp. ۲۲۵-۲۴۹

Rashidian, Abdul Karim (۱۳۹۳) *Postmodern culture*. Tehran. Ni publication

Rizvani, Mohammad Ismail (۱۳۷۱) A short series on the history of Seyyed Ziauddin Tabatabai's journalism. Treasure of documents. spring and summer. No. ۵ and ۶, pp. ۶۲-۷۱

Tabatabai, Seyyed Ziauddin (۱۳۲۹). Civic education. Tehran: Faros.

\_\_\_\_\_ (۱۲۸۸) Nedaya Islam newspaper

\_\_\_\_\_ (۱۳۲۷) Sharq newspaper

\_\_\_\_\_ (۱۳۲۸) Barge newspaper

\_\_\_\_\_ (۱۳۲۸) Raad newspapers

\_\_\_\_\_ (۱۳\_۲). National rituals, the appendix of today's thunder.

Fatuhi Roud Mojni, Mahmoud (۱۳۹۰) Tehran stylistics, Sokhon Publications

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۱) Stylogy, theories, approaches and methods and Tehran. speech

Kavsi, Hoshang (۱۳۲۳). A page from the history of Iran's constitutionalism - the detailed flow of two historical days, March ۱۶ and ۱۷, ۱۳۲۲

Mostofi, Abdullah (۱۳۸۶). My biography - social and administrative history of the Qajar period. Tehran: Hermes.

Makki, Hossein (۱۳۶۱). Iran's ۲۰-year history, first volume, Tehran: Nasher.

Verdank, Peter (۱۳۹۳) Basics of stylistics, translated by Mohammad Ghafari, second edition. Tehran.

Homayi, Jalaluddin (۱۳۶۸) Literary Rhetoric Techniques. Print ۲۶. Tehran. Homa

[Anonymous], [بی‌بی]. The child of the Iranian revolution or the current translation of Mr. Seyyed Diyaddin Tabatabai, the former prime minister of Iran. Hizb Watan Publishing House. [Tehran]: National Bank Printing House.

Simpson P. (۲۰۰۴). Stylistics: A Resource Book for Students. London: Routledge



Van Dijk, T. (۲۰۰۱). Multidisciplinary CDA. a plea for diversity. In R

## **Stylistic analysis of the ideological layer of the vocabulary of the pen of Seyyedzia Al-Din Tabatabai**

**Ali Asmand Junqani<sup>۱</sup> (author in charge)**

Assistant Professor of the Department of Persian Language and Literature, Islamshahr Branch. Islamic Azad university. Islamshahr Iran

**Fatemeh Farhodipour<sup>۲</sup>**

is a researcher at the Persian Language and Literature Academy

### **Abstract**

Seyedziauddin Tabatabai Yazdi, one of the agents of the March ۱۲۹۹ coup, is one of the most influential politicians in Iran's contemporary history, although his political life is closely linked with press activities, but his political face casts a shadow over his pen face.

At the age of sixteen, he started working as a journalist with the newspaper Nedaya Islam (۱۲۸۸); Then he published Sharq (۱۳۲۷) and Barq (۱۳۲۸) and Raad (until the coup of ۱۲۹۹).

By foreclosing one newspaper, he started another newspaper and spread critical thoughts with harsh and reckless language.

In this article, while introducing the newspapers and written works of Seyyedziaddin Tabatabai, using the "layered stylistics" method, his lexical style was examined in a descriptive and analytical method by referring to the aforementioned newspaper sources. We have done and have tried to analyze the ideology ruling his mind and language by separating the style of this period from the individual style of the writer and considering the requirements of the time.

Paying attention to the political attitude of Seyedzia's newspapers, we came to the conclusion that because his audience was mostly leaders of

affairs and policymakers, his intellectual world guides the political attitude of a social class as a whole.

And in this target group, his protest in the currents of constitutionalism is reporting on the relations of society and social and political changes and developments, and his language has been more serious than populist newspapers with a critical, frank, serious, bitter and sharp language.

**Keywords:** layered stylistics, ideology, linguistic layer of Seyyedziauddin Tabatabai, newspapers (Sharq, Barq and Raad).

